

۱۱. Public Policy Analysis and Think Tanks

Diane Stone

۱. تحلیل سیاستگذاری عمومی و اتاق های فکر

• داین استون
محمد زکی کریمی

اصطلاح اتاق فکر یا Think Tanks در اینجا به مفهوم یک نهاد تحقیقاتی سیاستگذاری است که در تحقیق و تجزیه و تحلیل سیاستگذاری در یک بخش و یا هم بخش وسیع تری از مسائل، به منظور مشوره دهی به سیاستگذاران و سیاست سازان و نهاد های تصمیم گیرنده و همچنین به منظور آگاه سازی عمومی در رابطه با مسایل سیاستگذاری عمومی فعالیت میکند. به طور عام، این سازمانها بنام نهادهای غیر حکومتی یا (NGO) یاد می شوند؛ هرچند بعضی شان به صورت نیمه دولتی و یا هم به حیث یک بخش مستقل در درون حکومت فعالیت دارند. در عین حال، بعضی از احزاب سیاسی دراروپا نیز در سطح داخلی اتاق فکر را به شکل یک نهاد حزبی و هم یک مؤسسه ایجاد کرده اند مانند انجمن کانراد ادینور استیف تنگ (Konrad Adenauer Stiftung Association) که با حزب دموکراتیک مسیحی آلمان مرتبط هست. در قسمت هایی از شمال آسیا، اتاقهای فکر معمولا به شرکت ها تجارتي مربوط می شوند؛ مثل مؤسسه تحقیقاتی میتسو بیشی که به حیث یک نهاد انتفاعی در سال ۱۹۷۰ بنیان گذاری شده است. علیرغم تفاوت ها در نهاد های قانون گذار، وظایف و نقش اتاقهای فکر آنها را در چهار راهی - یا تقاطع با محیط اکادمیک و سیاسی قرار میدهد؛ جایی که هدف آن مرتبط ساختن تجزیه و تحلیل سیاست گذاری ها و ساختن سیاست ها میباشد. همچنان، اتاق فکر دارای تنوع و یا تفاوت های زیادی از نظر فراگیری، ایدئولوژی، منابع، و کمیت و کیفیت نتیجه تحلیل میباشد. با آنها، اتاق فکر های خیلی معروف مانند رند (RAND)، Brookings Institution، و یا شورای روابط خارجی امریکا (Council on Foreign Relations) و تعداد زیادی از آنها در سراسر جهان از نظر حجم خیلی کوچک هستند. تعداد زیادی از آنها با عده ای محدودی از محققین در حدود دوازده نفر یا اندکی بیشتر و بودجه سالانه در حدود دو تا سه میلیون دلار امریکایی پیش برده میشوند.

این اتاقها علاوه بر تحلیل سیاست ها، فعالیت های تعاونی نیز اجراء میکنند که به صورت بالقوه در توسعه تحلیل سیاست های عمومی و تعقیب نتایج سیاستگذاری های همان سازمان در راستای چرخه یا سیکل تصمیم گیری کمک کننده است. تنوع فعالیت ها و وظایف - چنانچه در بالا تذکر یافت - تعریف اتاق فکر را دشوار تر ساخته است. ضمنا تعدد نمایش ها، اشکال گزینشی، و شیوع و گسترش جهانی آن در دو دهه اخیر نیز از فاکتور های چالش ساز تعریف آن میباشد. روی هم رفته، اتاق فکر به منظور تحلیل پالیسی از یک طرف به شکل بسیار سنجش شده و علمی و تکنوکراتیک رشد کرده که طبعاً به صورت ایدئولوژیک، پارتیزان و پرترفدار پیشرفته، و از طرف دیگر، تفاوت های فاحش استاندارد های کیفی آن وسعت پیدا کرده است. تاثیر متقابل و یا فعل و انفعالات استفاده دانش لازم در زمینه مشکلات پالیسی با تمرینات استراتژیک به منظور توسعه واحد های مشورتی برای حکومت، شرکتهای، و یا عموم مردم تکمیل

شونده است. بنابراین، تحلیل پالیسی اطاق فکر تمرینات ساده ذهنی نبوده که بر اساس ملاحظات اختصاصی و مدارک عملی شود. در عوض، تحلیل پالیسی نیز عمل محور بوده و متکی بر ایجاد کار آفرینی در خصوص پالیسی، نهاد سازی، و تولید نظریه های رقابتی اتاقهای فکر در بازار سیاست میباشد.

با تصور مثبت نگری و صنف گرایی اتاقهای فکر به منظور جلب توجه حکومت و مؤسسات بین المللی رقابت نموده، که با درک نفوذ اتاق فکر و ایجاد توانایی های آن در درازمدت به منظور شکل دادن افکار جامعه و دیدگاه جهانی و اعتقاد به پالیسی ها این نگرش را پیچیده میسازد. بنابراین، راهکارها و یا استراتژی که تاثیر مستقیم روی قانون و یا کلمات کاربردی مسوده آن دارد، به صورت حتمی به عنوان نفوذ دراز مدت، غیر مستقیم و جزئی بر نحوه حکومت داری در نظر گرفته میشود.

موج توسعه و گسترش [اتاق فکر]

موج گسترش اتاق فکر از اوایل قرن بیست و نهم با انقلاب تحلیلی پالیسی هست. سه مرحله وسیع آن شامل موارد ذیل است: شکل گیری اتاق های فکر قبل از جنگ جهانی دوم، موج جنگ سرد و تحقیقات صلح و مطالعات انکشافی مؤسسات در راستای آن همراه با تمرکز روی پالیسی های اجتماعی، داخلی و اقتصادی. مرحله سوم عبارت از رونق جهانی اتاق فکر از سال ۱۹۸۰ بدینسو (استون و دینهام ۲۰۰۴ Stone and Denham). غالباً با حمایت مالی مؤسسه دموکراتیک نیشنل اندومننت (National Endowment of Democratic)، سازمان توسعه بین المللی ایالت متحده (USAID)، بانک جهانی و بعضی نهاد های خصوصی شکل سازمان یافته غربی اتاق فکر بصورت بین المللی رواج یافته است.

نسل اول اتاقهای فکر در حقیقت جوابی بود به مشکلات اجتماعی و اقتصادی که با شهری سازی، صنعتی سازی و رشد اقتصادی بوجود آمده بود. اتاقهای فکر عموماً در ممالک انگلیسی زبان و عمدتاً در ایالات متحده ایجاد شده بود. برای توسعه نا همسان آن دلایل زیاد وجود دارد: قوت سازمانهای خیریه، سیستم پرداخت مالیه دهی، ضعف و قوت احزاب سیاسی، سیاست صنف گرایی یا پلورلیسم و تقسیم قدرت در ساختار فدرال، و همچنین ساختار قوه مقننه و اجرائیه در ایالات متحده امریکا (اسمیت ۱۹۹۱ و ایلیسون ۲۰۰۲). اینها از عواملی بودند که فرصت ها و موقف سیاسی خوب را برای توسعه اتاق فکر فراهم میساختند. بصورت عموم اتاق فکر در امریکای شمالی و مستعمرات بریتانیا پدیدار شدند که شامل دوره پیشرفت تدریجی آن بوده و ضمناً در دانشگاهها بصورت آموزشی و مسلکی توسعه پیدا کرد که زمینه را برای تحلیل پالیسی بصورت مستقل به منظور توسعه منطقی جامعه فراهم ساخت (هین من ۲۰۰۳ Heinemann). سازمان های مانند نهاد بروکنگ Brookings Institute، که در قرن بیست بنیاد شده است و رسال سیچ فوندیشن Russell Sage Foundation در ایالات متحده و موسسه "جامعه محتاط و انستیتوت ملی برای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی در بریتانیا نمونه های بارز موج اول هستند.

دور بعد از جنگ جهانی دوم قواعد پیشرفته تری را برای مسایل اجتماعی و اقتصادی بوجود آورد؛ که شامل موج دوم انکشاف اتاق فکر مخصوصا در امریکای شمالی و جوامع لیبرال دموکراتیک اروپا می‌باشد. در ایالات متحده در دوره "تعامل نو و جامعه بزرگ" و مقارن با جنگ ویتنام و کره توسعه قراردادهای دولتی با نهاد های تحقیقی آغاز شد. مؤسسه رند RAND و هدرسن Hudson Institute در ایالات متحده نمونه های جدید اطاق فکر بودند که عمدتا متکی به قرار دادهای دولتی بودند تا مؤسسه خیریه و خصوصی. تعداد زیادی از مؤسسات دیگر بودجه های هنگفتی را در راستای پالیسی اجتماعی بدست آوردند؛ مانند انستیتوت شهری Urban Institute که در سال ۱۹۶۸ ایجاد و ماموریت آن تحقیق و تحلیل مشکلات اجتماعی در ایالات متحده بوده مثلا بیشتر در زمینه نقاط مرکزی شهر و انحطاط ساحات شهری، برنامه های رفاه اجتماعی، خدمات و هزینه های طبی، سیاست حمل و نقل و غیره متمرکز بود. مانند همین مؤسسه نهاد های دیگر در ممالک دیگر شروع به فعالیت کردند، مانند: انستیتوت سیاست و اصلاحات جامعه StudieFsbundet Narings ، Institute for Social Politics and Social Reform در استریا [اطریش] در سال ۱۹۵۳ ، live در سویدن ۱۹۸۴ و انستیتوت امور عامه Institute of Public Affair در استرالیا در ۱۹۴۳. تعدادی زیادی از نسل دوم اتاق فکر پیشتاز روشهای جدید احصائیه ای نمونه های اقتصادی، و تحلیل فواید مصارف بوده اند. متناسب با اقتضای حکومت برای توسعه، اینگونه تحلیل ها، تعداد مؤسسات و اتاق های فکر نیز افزایش یافته است. تعداد نهاد های متمرکز به پالیسی اجتماعی به اثر تعدد پالیسی خارجی مؤسسات، مراکز مطالعات امینتی و مؤسسات مطالعات انکشافی در یک دوره که شامل جنگ سرد، رقابت ابر قدرت ها و مشکلات جنگ سوم هست، متقابلا افزایش پیدا کرده است.

از سال ۱۹۸۰ به اینطرف اتاق فکر رونق جهانی یافت. در سیستم سیاست امریکا اجتماع اتاق فکر رشد پیدا کرد و همچنان نهاد های سیاست محیط زیست به حیث علت و یا هم در نتیجه توجه زیاد به محیط زیست بوجود آمد. تخصصی شدن آن در ساحات دیگر نیز به میان آمد: نهاد های سیاست زنان، اتاق فکر اخلاق تجارت و مراکز رشد دموکراسی. تعداد زیادی از نهاد های جدید ایدئولوژی های بحث بر انگیز را با سازمان های حامی و بزرگتر روی دست گرفتند (ابسون ۲۰۰۴ Abeson).

این رشد یا ارتقاء که بنام اتاق های فکر حقیقی و نو (New Right Think Tanks) یاد شده است مانند انستیتوت آدام اسمیت در لندن Adam Smith Institute in London همچنان این را به نمایش میگذارند که چطور سازمانهای فکر آزاد و محافظه کار نمونه از بازیگران قانون یا قوه مقننه بوده اند که از تیوری سیاست کینسیان Keynesian به لیبرال جدید حکومتی تغییر نموده اند (دینهام و گارنیت ۲۰۰۴ Denham and Garnett). امروز، حکومت ها برای پالیسی بر مبنای شواهد سرو صدای زیادی دارد، که اتاق های فکر آماده هست که شواهد خود را برای حمایت از اصلاحات پالیسی و ابتکارات آن ارائه کند.

صرف نظر از "مؤسسه توسعه همکاریهای اقتصادی یا OECD، اتاق فکر در حقیقت یک انقلاب را به نمایش میگذارد که در اواخر قرن بیست اتفاق افتاده است. در کشورهای آسیائی که جدیداً صنعتی شده اند، رشد سریع اقتصادی منابع فراوان را برای تحقیق پالیسی فراهم ساخته که همزمان با آن با بلند رفتن سطح سواد و فرصت های تحصیلی به سطح دانشگاه، نسل جدید آگاه و روشن فکر نیز به ارمغان آمده است. در کشورهای شمال شرق آسیا تعداد انستیتوت ها تا حدودی زیاد بوده ، اما طوری بنظر می رسد که بیشتر به

وزارت‌های حکومتی و کمپنی‌های بزرگ وابسته هستند. کشورهای زیادی در امریکای لاتین مانند آرژانتین، پرو و شیلی نیز دارای نهادهای سالم تحقیقاتی هستند؛ که اکثریت شان با دانشگاه‌ها در رابطه بوده و با دموکراسی سازی این حوزه این نهادها نیز نفس تازه میکشند. ساختار مستقل و غربی اتاق فکر در اتحاد شوروی سابق از سال ۱۹۸۹ بوجود آمد. بطور مثال، مرکز تحقیق اجتماعی و اقتصادی در پولند (Center for Social and Economic Research)، مرکز استراتژی لیبرال در بلغاریا (Center for Liberal Strategies) اما اثرات سیستم بوروکراسی قدیم اگر از بین رفته است، باز هم سبک علوم اکادمیک شوروی (Soviet-Style Academies of Science) هنوز هم جلوه نمایی میکند (Mingui-Pippidi ۲۰۰۴). مؤسسات نسبتا نوپا با منابع محدود و نهاد های با پالیسی جدید، بعضا درگیر چالشهای مراحل گذار هستند. این پدیده بیشتر در راستای اتاق فکر در کشورهای افریقای موجود است (جانسون ۲۰۰۰ Johnson). در ایالت های ضعیف و نسبتا ناکام حضور اتاق فکر بسیار کم دیده می شود. در بوسنی و هرزیگوین (Bosnia and Herzegovina) ضعف شرایط پالیسی و تسلط دیوان عالی نمایندگی در هردو بعد تقاضا و عرضه تحلیل پالیسی بعد از سال ۱۹۹۵ بعنوان یک چالش فرار راه رشد و توسعه اتاق فکر بوده است (میلر. استرویک ۲۰۰۳ Miller and Struyk).

دستیابی جهانی توسعه و رشد اتاق های فکر حالتی هست که در صنعت های قدیمی و محلی انعکاس کرده و بر محور این پدیده می چرخد. راهنماها و راهکار های عملی برای مدیریت اتاق فکر موجود است (استرویک ۲۰۰۲ Struyk). کار گاهای آموزشی یا ورکشاپ ها برای اینکه چگونه یک ساز مان فکری را ایجاد و مدیریت کرد، توسط مؤسسات USAID، کانراد ادینور اسیف تنگ Konrad Adenauer Stiftung، خانه آزاد یا Freedom House، بانک جهانی، بخش انکشافی سازمان ملل متحد یا UNDP، انستیتوت جامعه باز Open Society Institute و یک تعداد دیگر، بصورت منظم حمایت و تدویر یافته است. واحد ها و مشاورین متخصص هم برای اتاق فکر که نیازمند مشاوره در ساحه مدیریتی اند؛ و هم برای تمویل کنندگان که ضرورت به ارزیابی "تحلیل" که که توسط اتاق های فکر با حمایت مالی همان تمویل کننده گان انجام شده است، همفکری داشته اند. توسعه سازمانهای فکری با پیشرفت میزان سواد اکادمیک موازی بوده است. در سال های ۱۹۹۰ تحلیل اتاق فکر که تقریبا بصورت انحصاری رشد این پدیده با سیستم اکادمیک امریکای مرکز یوابسته بود، به حیث سکتور سوم با استفاده از تخصص و دانش لازم برای حل مشکلات اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (Smith ۱۹۹۱، Weiss ۱۹۹۲). گرایش های تحقیقات فعلی به شکل مقایسوی بوده و متمرکز بر نقش سیاسی اتاق فکر در توسعه و دوره بعد از کمونیست در ایالت مربوطه (مک گن و ویفر McGann and Weaver ۲۰۰۰)، در حکومت داری بین المللی (Ladi ۲۰۰۴؛ Stone ۲۰۰۳)، و مورد توجه قرار دادن مسایل نفوذ اتاق فکر در شبکه های پالیسی ساز و مناظرات رسمی (Ulrich ۲۰۰۴؛ Lucarelli and Redaelli ۲۰۰۴).

در صنایع به ثمر رسیده جهانی اتاق فکر به صورت پیوسته نو آوری می شود. مطابق مؤسسه جامعه باز (Open Society Institute) در راوپای مرکزی و شرقی یک تعداد از نهاد های ظرفیت سازی غیر حکومتی به یک نهاد مستقل پالیسی تغییر شکل داده است، که بنام گردش پالیسی یک بخش از مؤسسه جامعه باز یاد میشود (Kriszan and Zenta ۲۰۰۴). در حالت ها و شرایط دیگر

میتوان به این نام یاد آور شد: گردش اتاق فکر "به" محور یا "از" محور یک واحد مشورتی (Minggiu –Pippidi ۲۰۰۳). بعضی از این نهاد شاید به گونه متفاوت مثلا "خودبینی عمیق" که برای ارائه کردن مسیر های سیاست برای برآورده ساختن ارزوی رهبران سیاسی کارساز است (ایلسون ۲۰۰۴).

همانطوریکه پدیده ازاتاق فکر رشد و تنوع پیدا میکند، شانس توافق روی تعریف آن متقابلا کمتر میشود. نظریه های اتاق فکر در حقیقت کشیده و منبسط شده است. ژورنالیستان، اشخاص اکادمیک و سایر مفسرین اصطلاح Haphazardly [اتفاقی یا تصادفی] را به حیث برجسپ برای هر مؤسسه که مسائل تخنیکی و یا تحقیقی پالیسی را پیش میبرند، استفاده کرده اند. این مؤسسه میتواند یک نهاد بین المللی، یک نهاد غیر حکومتی، لابراتور علمی، یک نهاد تحقیقی تجاری، و یا هم به حیث یک واحد تحلیل پالیسی در چوکات حکومت باشد. علاوه براین، مرزهای بین اتاق فکر و سایر گروهها نامشخص است. گروههای با نفوذ و نهادهای غیر حکومتی مانند سازمان شفافیت بین المللی خود دارای ظرفیت تحقیق و تحلیل پالیسی هستند. بعضی سازمانهای فکری منحصر به پژوهش و تحلیل پالیسی نیستند بلکه در فعالیت های آموزشی، کمکهای تخنیکی و مدافعه ای نیز دخیل هستند. تعداد زیادی از این سازمانها به طور غیر رسمی در رشد و توسعه پالیسی دخیل بوده، چیزی که در سایر سیستم های سیاسی و نهاد های تفتیش و سانسور در محدودیت قرار دارند.

روش های تحلیل پالیسی

یکی از وظایف بسیار مهم سازمانهای فکری فعالیت های اختصاصی تحقیقی بوده که به سوی تجزیه و تحلیل پالیسی متمایل میشود. اهداف اولیه تحلیل اتاق فکر یا سازمانهای فکری قوه مقننه، اجرائیه و همچنان بوروکرات ها و سیاست گرایان در سطوح ملی و بین المللی حکومت ها است. اما سایر فعالین جامعه بر اساس عمل متقابل، پیشرفته و یا هم حمایت گر بوده اند. متمایز ساختن بیشتر آنها ازین قرار است: (۱) ظرفیت های مربوط برای عمل کردن برای جمع آوری و تبادل معلومات، (۲) ذی دخل بودن شان بحیث مدافع در ایده ها، (۳) ترکیب آن در شبکه های پالیسی داخلی و بین المللی، (۴) فهم اختصاصی و عرضه مهارتهای سنجیده شده و علمی در مسائل سیاسی.

اتاق فکر، به حیث یک منبع، ارائه کننده انبار معلومات رایگان و مهارتهای تخصصی میباشد. انقلاب تکنولوژی معلوماتی فراورده های اتاق فکر را مانند رونوشت ها، کتابها، رهنمود های آموزشی، مسوده قوانین، وغیره به حیث یک منبع خوب مسائل مربوط به پژوهش و تحلیل پالیسی در دسترس قرار داده است. ضمنا اتاق فکر منبع کارشناسان مستقل و خردمند بوده که هر از گاهی معلومات ارائه نموده و می تواند یک منبع معلومات معتبر و متناوب با معلوماتی که از طرف حکومت و سایر سکتورها ارائه میشود، باشد. این معلومات به صورت آماده توسط رسانه ها، گروههای علاقمند، انجمن ها و اتحادیه های تجاری، کلیساها، نهادهای غیر حکومتی و سایر فعالین جامعه مورد استفاده قرار گرفته و گاهها به عنوان دارایی عمومی محسوب می شوند.

فعالین اتاق فکر، در دفاع از خود و فراورده‌های خود، با اصول ایدئولوژیک، علمی و مسلکی مجهز بوده که در ترویج و انتشار تمرینات خاص یا پالیسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به صورت عموم در بین نسل‌های پسین در آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا اتاق‌های فکر بیشتر مورد حمایت بوده تا رقابت بین رسانه‌ها و سیاستمداران در بازاریابی ایده‌ها بیشتر گردد. بنابراین، برداشت‌ها طوری بوده است که تبادل معلومات در مورد اتاق فکر تنها و به صورت منحصر توسط کارشناسان مربوط از طریق سیمینارها، کنفرانس‌ها و انتشارات صورت نمی‌گیرد. فراورده‌های اتاق‌های فکر از طریق رسانه‌های عمومی مثل تلویزیون، رادیو، روزنامه و روزنامه‌نگاران انعکاس می‌یابند؛ و این باعث می‌شود جامعه، ذهنیت همگون در تحلیل پالیسی داشته باشند.

اعضای اتاق فکر و همچنان سازمان‌ها ضرورت دارند که در ابتکار پالیسی پیشقدم باشند؛ تا بتوانند بحیث آموزش دهندگان، مدافعان و شبکه‌سازان فعالیت نمایند. افهام و تفهیم با مخاطبین پالیسی به منظور موفقیت اتاق فکر به همان اندازه مهم است که تولید تحلیل پالیسی به صورت معیاری و با کیفیت عالی. بسیاری از سازمان‌های فکری نه تنها در تخصص مفاهیم مسائل سیاسی نسبت به دانشگاه‌ها و مؤسسات غیر دولتی مهارت دارند؛ بلکه شکل سازمان یافته اتاق فکر در قالب یک نهاد جوابگوی مشکلات مسیر تحقیق و سیاست بوده و به شکل علمی در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی به سطح ملی می‌پردازند.

اتاق‌های فکر گاهی مدافع پالیسی استراتژی خارجی بوده، در حالی که برخی از اتاق‌های فکر استراتژی‌های داخلی برای سیاست جامعه نیز دارند. در این شبکه‌ها بازیگران هم از داخل و هم از بیرون دولت در آن شامل بوده که تصمیم‌گیری و تطبیق آن را تسهیل می‌کنند. به حیث منبع تخصص و تحلیل، افراد اتاق فکر در ساختارهای پالیسی (سیاستگذاری) یا به صورت غیر رسمی از طریق مشوره‌های خصوصی و یا هم بصورت بسیار رسمی با گماشته شدن در حلقه‌های مشورتی جا بجا می‌شوند. در چنین حالتی، روابط بر مبنای اعتماد بین سازمان‌های فکر و وزارت‌های دولت و یا هم مجموعه‌ای از مقامات برقرار بوده، جایی که موفقیت بعضی پالیسی‌ها به تخصص همان اتاق فکر بر می‌گردد (اولریچ ۲۰۰۴ Ullrich). به صورت مثال مؤسسه انکشافی خارجی در لندن (The Overseas Development Institute) ارتباط محکم و دراز مدت با بخش توسعه بین‌المللی بریتانیا دارد. ضمناً به حیث گردآورنده کنفرانس و پروژه‌های تحقیقی سازمان‌های فکر سهم فعال در مباحثات بین تجارت پیشه‌ها، مقامات دولتی و غیره داشته که زمینه را برای مناظرات رسمی فراهم می‌سازد. در حقیقت تعدادی از اتاق‌های فکر که از اعتماد دولت برخوردار هستند، نقش مؤثر در پشت‌صحنه در دیپلماسی‌های دوگانه دارند (سیمون ۲۰۰۱ Simon).

اتاق فکر، به عنوان مرکز تحلیل پالیسی، نیازمند است تا اعتبار حرفه‌ای بودن و نیز شهرت خود را به عنوان منبع دانش سیاست حفظ کند. معمولاً در رأس این سازمان‌های فکری اشخاص بسیار ورزیده با درجه دوکتورا یا PhD بوده که به صورت مداوم در جلسات مسلکی و انضباطی این سازمان‌ها اشتراک می‌کنند. یک عده‌شان به صورت نیمه وقت در دانشگاه‌ها تدریس نموده (فرصت خوب برای شناسایی و تعیین افراد مستعد برای اتاق فکر)، و تعداد کم‌شان به صورت رسمی با دانشگاه‌ها در ارتباط هستند. گرچه هدف و مسیر اولیه آن ایجاد تحلیل پالیسی هست نه تحصیلات عالی. هم‌چنان نهاد‌های فکری بمنزله یک وسیله انتقال برای آموزش پالیسی و محل شکوفایی سیاست برای مهارت‌های قدرت بیان و هم چنان گماشته شدن‌شان در دنیای سیاست می‌باشد. اتاق فکر سرمایه انسانی در قالب

تحلیلگر اختصاصی تولید نموده که در مدارهای اتاق فکر، دانشگاهها و خدمات دولتی گردش نماید. در انشعابات دراز مدت، اتاق فکر از طریق هم پیمانان قبلی اش با نهاد های دولتی متحد میشوند. بعضی ها با سابقه کاری در حکومت و مؤسسات بین المللی با مهارتهای تجربی خویش به اتاق فکر می پیوندند. حال آن که اشخاص ورزیده اتاق فکر بدنبال گماشته شدن در کمیسیون های رسمی و بوردهای مشورتی هستند. معمولا کارکنان به صورت قانونی می توانند ادعای فهم و آگاهی از جزئیات کاری داخلی حکومت را داشته باشند. بنابراین، تجارب کاری و صلاحیت های رسمی برای ایجاد اعتبار در بین مخاطبین و تعقیب کنندگان سیاست در ارتباط با تحلیل دقیق پالیسی بسیار مهم میباشد. خلاصه، سرمایه انسانی اتاق فکر دارایی اولیه در تولید و تحلیل پالیسی و حفظ حیثیت آن میباشد.

رشد و توسعه اتاق فکر در سطح فراملیتی

اتاق های فکر یک شاخص و یا یک نمونه بسیار خوب رشد تحلیل پالیسی در سطح فراملیتی میباشد. نیروی محرکه دوگانه جهانی سازی و حوزه های (منطقه ای) سازی برنامه ها یا برنامه تحقیق این سازمانها را متغیر ساخته است. این نهاد ها و ادار شده اند تا مشکلات ابتدائی را در سطح ملی و منطقه ای فکر کرده و در سطح جهانی به آن پردازند. بسیاری از سازمانهای فکری پیشتاز مناظرات رسمی، تحلیل پالیسی و تحقیق آن و همچنین تقسیم بندی آن در بخش های مختلف مانند محیط زیست، امنیت، تجارت، مهاجرت و حقوق بشر در سطوح جهانی بوده اند. در همکاری با افراد علمی دانشگاهها تعداد زیادی از محققین اتاق فکر در رهبری تحلیلگران در روند جهانی سازی بوده اند. موضوعات یا برنامه های تحقیقی این سازمانها در سطوح فراملیتی با انتشار وسیع تحلیل پالیسی در سطح بین المللی با استفاده از انترنت رشد کرده است. در مسر جامعه مدنی اتاق فکر یکی از بازیگران برجسته به شمار می آید. برای اتاق فکر در ارتباط بودن با افکار همگون در سایر کشورها یک رسم معمول میباشد. نهاد جامعه باز، انجمن PASOS در CEE، یک شبکه حوزه ای بوده که با نقل و انتقال شبکه پالیسی اتاق فکر در یک محدوده فعالیت داشته و توسط نهاد شهری یا Urban Institute هماهنگ شده است. شبکه بین المللی فکری یا Global ThinkNet توسط یک نهاد ژاپنی بنام Japan Center for International Exchange ایجاد شده است که میزبان رؤسا و افراد ارشد سازمانهای فکر بوده است. شبکه توسعه جهانی یا The Global Development Network یک شبکه بین المللی است که بیشتر در ساحه مسائل اقتصادی کار میکند. و به همین ترتیب تعداد زیادی دیگر. این شبکه ها چهارچوب دیالوگهای بین المللی و همکاری جمعی در راستای تحقیق را ایجاد نموده، در حالی که نهاد ها عموما متعهد به همان ایالت یا محلی که به صورت قانونی تاسیس شده اند، باقی می مانند. با این حال بازاریابی ایده ها در سطح بین المللی موجود است. اگر چه نهاد های فکر در امریکای شمالی و اروپا در این بازار چیره دست بوده است. این سازمانها در تهیه منابع غنی تفکر عمیق و اصول ترویج تحلیل پالیسی پیشتاز بوده اند.

مؤسسات بین المللی مانند بانک جهانی، اتحادیه اروپا، سازمان تجارت جهانی، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد، تمویل و حمایت کننده های اصلی و هم چنان استفاده کنندگان تحلیل پالیسی اند. این سازمانها برنامه ارتقای ظرفیت و آموزشی را در سراسر جهان برای

نخبگان به منظور ایجاد اتاق های فکر و شبکه های سیاسی عرضه مینمایند (UNDP ۲۰۰۳). آنها همچنان لازم می دانند تا تحقیق و تحلیل پالیسی را به صورت مستقلانه اجرا کنند. و این تنها برای حمایت از تعریف مشکل و طرح مشکلات پالیسی نیست، بلکه به عنوان فعالان جامعه مدنی و یا به عنوان سازمانهای تخصصی و معتبر اتاق فکر بخش مهم و مؤثر در نظارت و ارزیابی و هم چنان و تهیه نظریات دقیق و علمی برای انکشاف و توسعه پالیسی میباشد. علاوه براین، تعداد محدودی از اتاق های فکر با یک گرایش خاص در سطح فراملیتی قرار میگیرند. بطور مثال ایویان گروپ Evian Group با اینکه مستقل میباشد، بر محور سازمان تجارت جهانی یا WTO چرخیده که در مطالعات و هماهنگی جلسات متخصصین تجارت به صمنظور حمایت از اقتصاد آزاد جهانی نقش دارند.

اتاق های فکر، تبدیل به یکی از بازیگران کلیدی در قدرتمندسازی نخ های ارتباطی بین نهاد های بین المللی و ساحوی، فعالیتهای تنظیمی و تمرینات پالیسی میشوند. ساختارهای نظارت جهانی مانند سازمان مشارکت بین المللی آب (Global Water Partnership) و یا هم برنامه بخش ایدز ملل متحد (UNAIDS) پاسخگوی روز افزون شیوع مشکلات پالیسی هستند که محدود به یک ملیت نمی شود. مشکلات سیاست معاصر به صورت دینامیک در زمینه همکاری جمعی در راستای تحقیق، شریک ساختن مشکلات و مسئولیت ها، ارتباطات منظم و مشاوره های متخصصین زمینه را فراهم میسازند. شبکه های سیاست عمومی جهانی صنف گراهایی هستند که همراه با مؤسسات بین المللی، مقامات دولتی، تجارت پیشه ها و دست آندران یک پالیسی به منظور تحلیل آن فعالیت مینمایند (Reinicke and Deng ۲۰۰۰). در میان این شبکه ها انتخاب اتاق فکر در ساختار ارتباطات میان بازیگران فراملیت سازی پالیسی بیشتر مفید بوده اند. این ساختارهای ارتباطی شامل وب سایت ها، روزنامه ها، مجلات، نشست های بین مللی و به جریان انداختن معلومات به صورت عموم از منابع مختلف میباشد. در نتیجه، از طریق تحلیل پالیسی و اشتراک در دیالوک و گفتگوهای بین المللی، فراملیت سازی اتاق فکر می تواند یکی از پروسه های گذار سیاست جهانی به شمار آید.

فعالیت یا عملکرد اتاق فکر در اتحادیه اروپا چشم گیر بوده و منعکس کننده ابعاد این اتحاد میباشد (بوچر ایت آل ۲۰۰۴ Boucher et al). با وجود تفاوت میان اتاق فکر و دیدگاههای ایدئولوژیکی در مدغم شدن اروپا در ارتباط با پالیسی های مشخص، ساختاری و عضویت اعضاء و ویژگی های مشترک موجود است؛ مانند رابطه نزدیک با "کمیسون اروپا" و تمرکز روی تحقیق مسایل مشخص اروپا (Ladi ۲۰۰۴; Ullrich ۲۰۰۴). "مرکز مطالعات پالیسی اروپا" در بروکسل یکی از این نمونه ها است. اتاق فکر همچنان نقش کلیدی در هماهنگ سازی و ملیت سازی اروپا داشته وهم در انتقال پالیسی به منظور توزیع استاندارد ها و شاخص های انکشافی و توسعه ای (Ladi ۲۰۰۴) و حوزه ای سازی در سایر نقاط جهان مانند ASEAN، اتحادیه افریقا و نفتا NAFTA و نیز جذب فعالیت های خودش نقش داشته است.

تاثیر یا نفوذ تحلیل پالیسی سازمانهای فکری

یکی از سوالهای مغشوش کننده در مورد اتاق فکر این است که آیا آنها روی سیاست گذاری ها یا برنامه های سیاستی نفوذ دارند یا خیر. صرف نظر از سایر مسائل، دسترسی به سیاست به شکل خودکار یا اتوماتیک برای اتاق فکر چندان خوش آیند نیست. تلاش در

تحلیل برنامه های سیاستی برای تصمیم گیری از جمله تاثیرات فوری پالیسی بر قانون و یا بخش اجرائی محسوب نمی شود. به صورت نسبی، تعداد اندکی از اتاق فکر در پروسه تصمیم گیری در سطوح محلی، ملی، حوزوی و یا هم به شکل نمونه ای کمک کننده بوده که تا حدی در طرح پالیسی نفوذ داشته اند. ولی بهتر است تا آنرا به عنوان یکی از دندانهای چرخ یک ماشین بزرگ حکومت داری بیندازیم. علاوه بر این، تحقیقات اتاق فکر و گزارش های آن نمی تواند چالش ها و انتقادهایی را نادیده گیرد که توسط کارشناسان در دانشگاهها ارائه می شوند؛ که توسط حکومت، شرکت ها و مؤسسات بین المللی بعضا مورد تشویق و گاهی هم چشم پوشی واقع می شوند. هر چند این به مفهوم آن نیست که این سازمانها فاقد شایستگی های فکری و یا تاثیر گذار در پالیسی هستند.

اولا اتاقهای فکر، همانند یک مؤسسه اکادمیک و با اقتدار بر اساس افراد علمی، شدیداً تمرکز روی تحلیل تخصصی مسایل پالیسی دارد. بسیاری از آنها با پندار اینکه به عنوان یک نهاد جامعه مدنی مستقل هستند، اعتبار و شهرت خود را تقویت نموده که شاید برخلاف علاقمندی بازار سیاست باشد. این ویژگی برای اتاق فکر تا حدی مشروعیت بخشیده تا بتواند در روند پالیسی سازی از طریق مشوره دهی و دانش دست داشته دخالت داشته باشد. هر چند بر اساس یک سروی آزمایشی در اروپا در این اواخر که با افراد تصمیم گیر، ژورنالستان، و نظریه دهنده گان اکادمیک تاثیر گذاری اتاق فکر مهم تلقی شده و از نفوذ آن به عنوان هشدار یاد شده است:

مصاحبه شوندگان به صورت عموم، روی اهمیت اتاق فکر سالم به عنوان یک سکتور در اتحادیه اروپا تاکید کرده اند. ساختن پالیسی همراه با انتقادات از ضعف و عدم توانائی هماهنگ کردن ارزشها، نداشتن تاثیرات دراز مدت و همچنان راهکارها می تواند زیاده روی در تیکنوکرسی خواهی و نخبه سالاری پنداشته شود (Boucher et al ۲۰۰۴).

برعلاوه، این سازمانها اعتبار سیاسی خود را با اجرای خدمات به سطح ملی و بین المللی کسب می نمایند. به صورت خلاصه منبع تقاضا در توضیح دادن ربط و افاده اتاق فکر کمک کننده هست؛ هر چند نفوذ مستقیم هم نداشته باشد. اتاق فکر پاسخگوی تقاضا برای تحقیق و تحلیل با کیفیت و معتبر ارائه ایده ها و مذاکرات میباشد. همچنان، آنها خدماتی را مانند آموزش اخلاق و پالیسی برای کارمندان حکومتی از طریق برنامه های آموزشی و یا هم کنفرانس ها و سیمینارها عرضه می کنند. همین گونه، آنها به مفسرین مفید و خوب برای مطالب اجمالی دانش اجتماعی معاصر تبدیل شده اند. برای حکومت در رابطه با پالیسی مبنی بر شواهد، اتاق فکر به صورت بالقوه در ایجاد روند منطقی پالیسی سازی با تقویت ظرفیت های تحقیقی، کنترل وقت و موانع و نخبه سالاری برای تغییر پالیسی کمک کننده است (Dror ۱۹۸۴). بنا بر این اتاق های فکر روی حکومت اثر کمتر داشته و بر عکس، حکومت و یا هم تعداد مشخصی از رهبران سیاسی این سازمانها را به عنوان ابزار برای به دست آوردن علایق شان و هم چنان مشروعیت بخشیدن پالیسی استفاده می کنند.

اتاق فکر در شکل دهی ساختار حکومت داری و ایجاد نهادها تسهیل بخشیده و در مذاکرات بین مقامات رسمی و سکتور های خصوصی و شبکه های کار آفرین کمک کننده بوده است. اتاق فکر هم از لحاظ توسعه ارتباطات شبکه ای با بازی گران قدرت و هم از لحاظ استحکام بخشیدن شبکه مهم میباشد. به این ترتیب توانائی تاثیرات خود را تقویت میکند. هر چند این ارتباطات بعضا اتاق های فکر را به طرف مدافعه و مجادله ایدیولوژیکی و یا هم تعصب در سیاست بافی کردن کشانیده است. احزاب سیاسی و سازمان های غیر

دولتی با ارتباط تنگاتنگ با حکومت می تواند به صورت جدی مشروعیت و صلاحیت های آنها را به تحلیل برده و اهمیت فرق بین نهاد های تحقیقی و گروه های مدافع را روشن کند.

به تناسب استفاده دانش منطقی در پالیسی سازی توسط سازمانها، توسعه اتاق فکر نیز به شکل وسیع در سیاست گذاری تحلیل پالیسی نقش دارد. در تعداد کمی از کشورها اتاق های فکر به حیث وسیله ارتقای مسلکی / تخصصی و یا پله های پیشرفت برای مشتاقان سیاست میباشد. این موضوع در بریتانیا بعد از انتخابات حکومت جدید باعث خلاء اتاق فکر شده است (دینهام و گرانت ۲۰۰۴ Denham and Granet). گردش افراد بین سکنتور های اجرائی و اتاق های فکر، نهاد های قانونگذار و یا در دانشگاهها یک پدیده معروف در ایالات متحده امریکا بوده و در اروپای مرکزی و شرقی و همچنان افریقای شمالی سیر صعودی داشته است. به صورت خلاصه نسبت به نشر تحلیل پالیسی بر روی کاغذ، ظرفیت تجزیه و تحلیل پالیسی یا منابع انسانی است که میتواند در دراز مدت در حکومت و مؤسسات بین المللی نفوذ داشته باشد.

بعضی از اتاقهای فکر نسبت به حکومت بیشتر مورد توجه رسانه ها قرار میگیرند. توانائی جلب منابع مالی از مؤسسات، حکومت و شرکت ها به منظور پیشبرد تجزیه و تحلیل پالیسی به شکل غیر مستقیم در رسمیت شناختن ارزشهای تعداد زیادی از این نهاد ها تاثیر دارد. بعضی ها بر حسب اینکه اتاق های فکر میتواند باعث به میان آمدن دموکراسی لیبرال گردد، برای آن اهمیت قائل هستند. و این خود داشتن منطق و یا توجیه ابتکارات ظرفیت سازی اتاق های فکر برای مؤسسات انکشافی میباشد. بر اساس عقاید پلورالیزم جدید، اتاق های فکر مستقل بعنوان ایجادگر فضای باز عمومی و تعلیم یافته برای عموم تعریف شده؛ و همچنان به حیث تاثیر گذار در آجنداهای پالیسی نهاد های بوروکراتیک قوی، شرکت ها و علایق رسانه شناخته شده است. ضمنا معلومات بیشتر و استفاده دانش لازمه در پروسه پالیسی سازی که افراد فنی اتاق های فکر در آن نقش دارند، میتواند مسیر پروسه تصمیم گیری را روشن تر سازد.

مطالعات قبلی اتاق های فکر در آمریکا بعضا روش های التزامی را در نقش داشتن اتاق های فکر در راستای تصمیم گیری در پیش گرفته بود. مطالعات بهتر نهاد های مانند بروکینگ (Brooking Institute) بیشتر تاکید دارد که چطور اتاق های فکر از اجزای کلیدی قدرت مرکزی هست، جایک ه تصمیم گیری به دست تعداد محدودی از افراد و گروهها متمرکز شده است. به همین ترتیب، بعضی مارکیسیست ها استدلال می کنند که ایجاد اتاق های فکر در به وجود آوردن توافق جمعی سازمانها برای انکشاف، بحث و مناظرات ایدیولوژی و پلان های بلند مدت تاثیر گذار بوده، که مشکلات سیاسی اقتصادی را تبدیل به معلومات مفید برای سیاستگذاری های عمومی میسازد. چنانچه علایق اقتصادی مشترک و ساختار های اجتماعی در بین قدرتمندان یا طبقه حاکم بته منظور تولید توافق جمعی روی سیاست گذاری ها کاملا کار ساز نیست. بنابراین، توافق روی این موضوعات، تحقیق، مشاوره و بخش های دقیق تر لازم داشته تا یک دیدگاه منسجم برای علایق طولانی مدت شکل گرفته (دام هاف ۸۳، ۱۹۸۲ Domhoff) و تسلط نیز حفظ شود (دیسای ۱۹۹۴ Desai). هرچند این مطالعات، تجزیه و تحلیل را به طرف نهادهای مشهور پالیسی ساز که با احزاب سیاسی ارتباط محکم دارد و یا هم شرکت ها جهت داده و نقش نهاد های کوچک و غیر معروف را که تعداد شان بمراتب زیاد تر از اتاق های فکر ممتاز هستند، به حاشیه میکشانند.

به طور کل، تحلیل گران معاصر در رابطه با تاثیر مستقیم و متجانس اتاق های فکر در زمینه سياست تردید دارند (مقالات استون و دینهام ۲۰۰۴ Stone and Denham). در عوض، آنها این تاثیرات را با توسعه بخشیدن و تفاوت های جزئی مفهوم نفوذ اتاق فکر در برنامه های سياستی و مسایل اجتماعی، در تنظیم برنامه های سياستی و تصورات عمومی دانسته اند. این توانایی برای تنظیم موضوعات مناظره، شناسائی مشکلات و شکل دادن دیدگاه پالیسی در جاهای دیگر بعنوان نفوذ "اتموسفیریک" یا جوی توضیح داده شده است (جیمز ۲۰۰۰ James). بر علاوه، نوسانات و تغییرات نفوذ اتاق فکر چالش های زیادی را برای برخورد مداوم و متجانس با مطالعات دانش انسانی، ائتلاف مدافعین و سخنرانان پیش رو دارد. مفهوم مطالعات دانش انسانی بیشتر تمرکز بر نقش مشخص یک کارشناس در پروسه پالیسی سازی و بلند بردم میزان تاثیر توافق جمعی در تعیین پالیسی میباشد (اولریچ ۲۰۰۴ Ullrich). نظر به این دیدگاه، اتاق های فکر می تواند تخصص و مهارت های تحلیلی خود را در پالیسی سازی بصورت علمی و درست به کار برد. روش ائتلاف مدافع، روی یک دیدگاه مترادف تاکید دارد که تجزیه و تحلیل تاثیرات بلند مدت در روشنگری و در تغییر آوردن پالیسی سنتی داشته و نقش اعتقادات، ارزش ها و ایده هارا که قبلا چشم پوشی شده، در بعد پالیسی سازی برجسته می سازد (Lucareli and Radaelli ۲۰۰۴). بر اساس مقایسه، مباحثه گرایان بیشتر تاکید بر نقش زبان و سمبول سازی در شناسایی و درک مشکلات پالیسی دارند. این یک روش کارساز یا مفید بوده که به دانش جمعی و آگاهی عمومی و هویت های مشترک به عنوان یک قدرت برای تغییر تاکید کرده که اتاق فکر یک نمونه خوب آن هست. بر اساس این دیدگاه، زبان عامل اصلی برای بدست آوردن اهداف اتاق فکر در راستای پالیسی و شکل دادن جامعه و همچنین طرح های حکومتی و حرکت های نمونه ای میباشد.